

## تحلیل دو سطحی از ژئوپلیتیک واگرایی روابط ایران و پاکستان (سناریوهای آینده این روابط و ارائه راهکارهای همگرایی)

حمیدرضا محمدی\* - ابراهیم احمدی\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۴)

### چکیده

مطالعه و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر روابط ژئوپلیتیک (هم‌گرایی و واگرایی) از اولویت‌های اصلی جهت برقراری روابط خارجی مطلوب با همسایگان و دیگر کشورهای جهان است. روابط منطقه‌ای دو کشور همسایه و دوست؛ ایران و پاکستان، با وجود زمینه‌های متعدد هم‌گرایی، در حال حاضر از جنبه‌های گوناگون واگرا است. در این پژوهش، عوامل واگرایی دو کشور به دو سطح اصلی (عواملی که به طور سنتی در واگرایی دو کشور دخیل‌اند) و هم‌تکمیلی (نقش اساسی عربستان سعودی در روند واگرایی دو کشور، اختلافات دو کشور در افغانستان، نوع برخورد و منطق ایران در منازعات هند و پاکستان)، تقسیم شده‌اند. بر این اساس، پژوهش قصد دارد، با تبیین و تحلیل زمینه‌های واگرایی روابط، بر اساس تلفیقی از سطوح مزبور، سناریوهایی را در جهت همگرایی دو کشور ارائه دهد. سناریوهای پیشنهادی به این قراراند: ۱- لزوم تنش‌زدایی روابط ایران با عربستان سعودی. ۲- اهمیت حل بحران سیاسی افغانستان. ۳- اهمیت جایگاه (انرژی) ایران در روند همگرایی هند و پاکستان و ۴- مشارکت دوجانبه در سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی. پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز آن، نیز- به شیوه اسنادی و با مراجعه به منابع معتبر چون کتب، مقالات و گزارش‌های معتبر گردآوری شده است.

**واژگان کلیدی:** ایران، پاکستان، سناریونویسی، ژئوپلیتیک، هم‌گرایی، واگرایی

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «ژئوپلیتیک هم‌گرایی و واگرایی منطقه‌ای؛ مطالعه موردی: ایران و پاکستان» است که در دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است.

h-mohamadi@sbu.ac.i

\* دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

ebrahimahmadi1365@yahoo.com

## مقدمه

شناخت محیط پیرامونی و تحلیل ژئوپلیتیک کشورهای همسایه از مهم‌ترین عواملی است که در راستای برقراری و گسترش روابط دو جانبه باید مد نظر قرار گیرد. کشورهای ایران، تقارن جغرافیایی هستند در بیشتر مناطق ارتباط دو جانبه و چندجانبه را شکل می‌دهند و سیاست خارجی آنها به شدت از همدیگر تأثیر می‌پذیرد؛ کشور پاکستان علاوه بر تقارن جغرافیایی، داری تقارن فرهنگی و قومی (دو بلوچستان) با جمهوری اسلامی ایران است. شناخت و درک متغیرهای جغرافیای سیاسی همسایگان، به عنوان یک کد ژئوپلیتیکی، ضرورتی است برای کشف کدهای مضر؛ حذف و یا به حداقل رساندن اثر آنها است. لذا جمهوری اسلامی ایران برای این که بتواند بر چالش‌ها و تنگناهای پیرامونی غلبه، چالش و رقابت‌های ناسازگار ژئوپلیتیکی را به همکاری تبدیل کند؛ نخست نیازمند مطالعه دقیق ژئوپلیتیک کشورهای همسایه و شناخت آنها می‌باشند؛ کشور پاکستان با داشتن حدود ۹۳۰ کیلومتر مرز مشترک با ایران دارای طیفی از مشکلات داخلی نظیر اقتصاد ورشکسته و بیمار، افراطی‌گری، فقدان دموکراسی، تجمع قدرت در دست ارتش و ژنرال‌ها، نفوذ بیش از اندازه گروه‌ها و احزاب اسلامی، خسارات ناشی از حوادث طبیعی، فساد اداری و غیره (محمدی و احمدی، ب)، (۱۳۹۴: ۱۳۸)؛ توان تأثیرگذاری بالایی بر همسایگان و از جمله ایران دارد. بررسی‌های گوناگون نشان از این واقعیت است که پاکستان در بعد خارجی با تمامی همسایگان خود (جز چین) در تنش است. چندین جنگ با هند بر سر مسئله حاکمیت بر سر کشمیر، تلاش همیشگی برای نفوذ در افغانستان جهت فائق آمدن بر بحران قومی - قبیله‌ای پشتون‌ها؛ تنش‌های ایدئولوژیک، تنش‌های مرزی، چالش‌های قومی و ... با ایران (اطاعت و احمدی، ۱۳۹۴: ۲)؛ همگی نشان از لزوم مطالعات جدی و کارا در زمینه شناخت مسائل کشور پاکستان و مناسبات این کشور با همسایگان است.

هدف این پژوهش بررسی زمینه‌های ژئوپلیتیکی واگرایی ایران و پاکستان است. فرضیه اصلی مقاله در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که - اساسی‌ترین عوامل واگرایی روابط ژئوپلیتیکی ایران و پاکستان حول چه محورهایی است؟ دو کشور چگونه می‌توانند با حداقل‌رسانی تنش‌های مابین، روابط هم‌گرایی را تجربه کنند؟ فرضیه اصلی نوشتار مدعی است که در حال حاضر بزرگترین چالش روابط ژئوپلیتیکی ایران و پاکستان بر محور مسائل ایدئولوژیک (شیعی - سنی) است. سناریوی حاکم بر روابط گذشته دو کشور حاکی از آن است که منازعات ایدئولوژیک بین دو کشور هم‌زمان با دو رخداد اتفاق افتاد؛ حکومت

رسیدن ژنرال ضیاء الحق در پاکستان (۱۹۷۸) و برنامه اسلامی سازی وی (۱۹۸۴) و دومی وقوع انقلاب اسلامی - شیعی در ایران (۱۹۷۹) بود. بر مبنای این فرضیه، نویسندگان، ژئوپلیتیک واگرایی و تنش ناشی از مسائل ایدئولوژیک، را به این خاطر که - بیشترین تأثیر را بر واگرایی روابط دو کشور داشته و پویایی خود را بر روابط ژئوپلیتیکی دو کشور حفظ کرده را سطح اصلی (سطح اول) نام گذاشتند. روابط دو کشور به حالت واگرایی، رکود و ایستایی درآمده است.

سطح دوم (هم تکمیلی) متأثر از رابطه پاکستان با سه کشور هند، افغانستان و عربستان سعودی است. از آنجایی که این روابط بر ایران و پاکستان تأثیر گذار است؛ به عنوان سطح هم تکمیلی (مکمل، متقارن و یا هم پوشان) از آن یاد می شود. اهمیت بررسی سطح هم تکمیلی در این پژوهش به این خاطر است که از لحاظ تأثیر گذاری و تأثیر پذیری (بیشتر) با سطح اصلی، هم پوشانی و تقارن نزدیکی دارد. واضح است که «سناریو پردازی» به عنوان یکی از تکنیک های پایه ای آینده پژوهی، برای تحلیل روند گذشته و تحلیل آینده کاربرد دارد - که هدفش ایجاد یا بازسازی وقایع و روندهای آینده و گذشته بر اساس مجموعه شواهد، داده ها و اطلاعات گردآوری شده است.

با واکاوی گذشته روابط (واگرایی) دو کشور؛ سناریوهای پیشنهادی پژوهش در قالب راهکارهای هم گرایانه چنین اند: ۱- لزوم تنش زدایی دو کشور به تبع از مسائل ایدئولوژیک (در این بین هم گرای با عربستان سعودی می تواند گام مهمی در کاهش تنش های ایدئولوژیک ایران و پاکستان داشته؛ زیرا عربستان نقش به سزایی در ترغیب گروه های متعدد ضد شیعی و گروه های اسلامی رادیکال پاکستان و ترویج مدارس دینی این کشور دارد) ۲- حل سیاسی بحران افغانستان به کمک ایران و پاکستان (به خاطر نفوذ گسترده دو کشور در افغانستان) ۳- حل منازعات تاریخی هند و پاکستان با میانجی گری ایران به عنوان کشوری که دارای رابطه فرهنگی و تاریخی با دو کشور است (به ویژه نقش کریدوری ایران در انتقال انرژی به دو کشور) و ۴- مشارکت دو کشور در گروه بندی های منطقه ای و جهانی (گروه اقتصادی اکو، گروه بندی اقتصادی - سیاسی شانگهای و گروه اقتصادی دی - هشت).

### روش تحقیق

این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز پژوهش، نیز بر اساس روش کتابخانه ای و با مراجعه به منابع معتبر همچون، کتب و مقالات گردآوری شده است.

## مفاهیم اصلی

### الف) ژئوپلیتیک

درباره موضوع و مفهوم ژئوپلیتیک دیدگاه‌های متفاوتی بیان کرده، بر همین اساس طیف موضوعی ژئوپلیتیک بسیار گسترده است از جمله: به عنوان دانش کسب قدرت؛ دانش رقابت و حوزه نفوذ؛ تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست و روابط دولت‌ها؛ دانش مناطق بحرانی و به عنوان دانش مرزهای بین‌الملل، ژئوپلیتیک به عنوان نتایج منطبق کردن دو الگوی فضایی عرضه و تقاضای منابع حیاتی (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۷-۱۸)؛ تعاریف مختلف و متنوعی از ژئوپلیتیک‌اند. دیدگاه‌ها درباره موضوع و ماهیت ژئوپلیتیک هنوز دارای فاصله و نارسایی‌های بسیاری‌اند. با این حال ارائه تعریف علمی از ژئوپلیتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی تبیین‌پذیر که متشکل از سه عنصر اصلی، جغرافیا، قدرت و سیاست-بیش از سایر تعاریف رسایی لازم را دارد. ترکیب سه متغیر، قدرت، جغرافیا و سیاست، پدیده‌ها و الگوهای رفتاری گروه‌های متشکل انسانی را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کنند. در کنش‌های رفتاری مختلف همانند: نوسان قدرت، رقابت، هم‌گرایی، واگرایی، نفوذ، بحران، سلطه، زیرسلطه، ائتلاف، صلح، همکاری جنگ، امنیت، آرامش و ثبات، بازرگانی و داد و ستد و غیر آن می‌توان پی‌گرفت (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۳: ۲۶۰).

### ب) همگرایی

تعاریف مختلفی از همگرایی شده است؛ گاهی آن را یک فرآیند، گاهی وضعیت نهایی وحدت سیاسی در روابط واحدهای مستقل تعبیر کرده‌اند. این تفاوت نگرشی، از اختلاف سلیقه‌ای است که تحلیل‌گران از موضوع وحدت دارند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۳۶). به عنوان مثال: ارنست هاس<sup>۱</sup> از جمله کسانی‌اند که معتقد است هم‌گرایی فرآیندی است که حول محور آن بازیگران سیاسی و دولت‌های مستقل در کشورهای مختلف، به این باورند که در تأسیس دولت متمرکز وحدت به نفع آنها است که جایگزین دولت‌های قدیم شود (Haas, 1958: 16). یا اینکه همگرایی فرآیندی است که طی آن ملت‌ها از تمایل و توانایی خویش نسبت به تدبیر مستقل سیاست خارجی و سیاست‌های اساسی داخلی خود منصرف شده و در پی تصمیم‌گیری مشترک و یا تفویض روند تصمیم‌گیری به سازمان‌های جدیدی ناظر هستند (مشیرزاده ۱۳۸۹: ۴۰-۴۱).

در همگرایی تلاش دولت‌ها بر این است که عوامل اختلاف‌زا و زمینه‌های ناسیونالیستی؛ همچون، وفاداری‌های ملی و احساسات ناسیونالیستی و... را کنار بگذارند (بوزان، ۱۳۸۸: ۲۴)؛ و

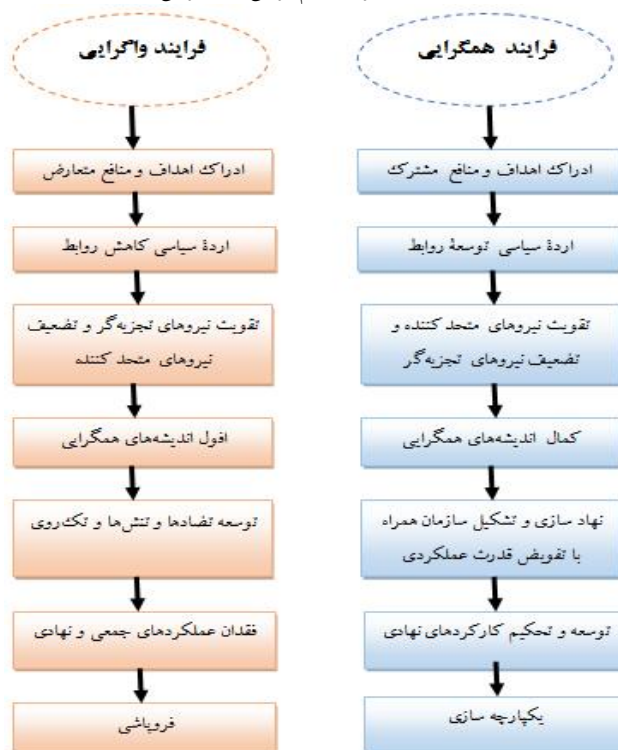
1. Ernest Haas

سرمایه گذاری بر روی زمینه‌های مشترک را توسعه و قوت ببخشند.

### ج) واگرایی

واگرایی در مقابل هم‌گرایی فرآیندی است که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از همدیگر دور شده و در اثر آن زمینه بحران فراهم می‌شود (قوام، ۱۳۸۸: ۲۲۹). اشاره به وضعیتی اجتماعی است که دو یا چند کنشگر، هدف‌های ناسازگار را دنبال می‌کنند. نیروهای واگرا- کار دولت را برای یکپارچه کردن مردم و قلمرو در یک مجموعه منسجم، مشکل می‌کنند. اختلاف فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی میان جمعیت‌ها یا موانع جغرافیایی و تماس میان مناطق مختلف همگی در حکم نیروهای مرکزگرای (واگرا) عمل می‌کنند. اگر نیروهای مرکزگرای (واگرا) را بدون نظارت هرگونه سیستم متعادل کننده‌ای به حال خود واگذاریم موجب فروپاشی کشور می‌شوند (مویر، ۱۳۷۹: ۱۹۹).

نمودار ۱ و ۲- فرآیند هم‌گرایی و واگرایی



منبع: حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۴

## ادبیات و مبانی نظری

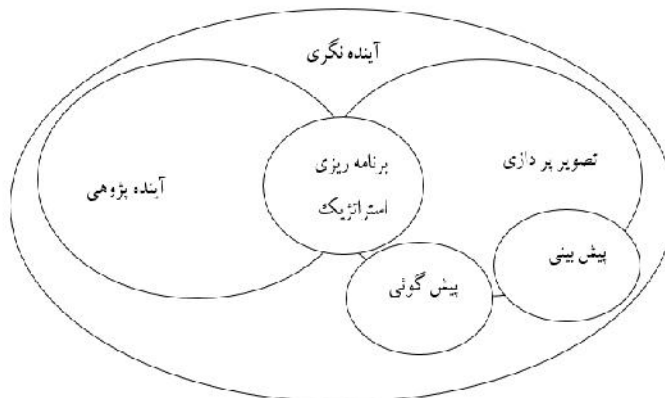
### سناریوپردازی و آینده‌نگری<sup>۱</sup>

در آینده‌پژوهی برای پیش‌بینی آینده محتمل از روش‌های مختلفی از جمله: دیده‌بانی آینده<sup>۲</sup>، دلفی<sup>۳</sup>، واکاوی روندها<sup>۴</sup>، واکاوی پیش‌ران‌ها<sup>۵</sup>، سناریو پردازی<sup>۶</sup>، چشم‌انداز سازی<sup>۷</sup>، نقشه‌راه<sup>۸</sup>، پس‌نگری<sup>۹</sup>، مدل‌سازی<sup>۱۰</sup>، شبیه‌سازی<sup>۱۱</sup> و ترکیبی از این‌ها استفاده می‌کند. «سناریو پردازی» یکی از تکنیک‌های پایه‌ای آینده‌پژوهی است که برای تحلیل روندها گذشته و تحلیل آینده کاربرد دارند و تمرکز سناریونویسی، ایجاد یا بازسازی وقایع و روندهای آینده و گذشته بر اساس مجموعه شواهد، داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده است (هراتی و معینی‌پور، ۱۳۹۱: ۶۲). فرهنگ لغت، سناریو را «طرح کلی وضعیت طبیعی و یا مورد انتظار حوادث»<sup>۱۲</sup> می‌داند. در این روش از آینده‌پژوهی تلاش می‌گردد تا با طرح سناریوهای مختلف درباره موضوع و بحث درباره آنها، پیش‌بینی‌هایی از آینده مورد بحث با توجه به امکانات و وضعیت محتمل ارائه می‌شود. اما اگر تخصصی‌تر بخواهیم سناریو را تعریف کنیم می‌توان گفت، سناریو- داستانی توصیفی از بدیل‌های موجه است که به بخش خاصی از آینده نظر دارد. سناریو، چهره آینده است و پیش‌گویی نیست. هدف سناریوسازی، گسترش تفکر در مورد آینده و عریض‌تر کردن طیف آلترناتیوهای است که می‌تواند مورد نظر ما باشد (Porter, 1985: 37). سناریو، مجموعه امکاناتی است که به آینده مرتبط می‌شوند. آینده نامعلوم است و سناریو، اندیشیدن در مورد نامعلومی را به ما می‌آموزد که درباره همین نامعلومی‌ها بیندیشیم و فرض‌های دست و پاگیر امروزی را از ذهن باز کنیم و بتوانیم گسست‌هایی را که ممکن است جهان ما را دگرگون سازند، شناسایی کنیم. به طور کلی سناریوها به عنوان محصول آینده‌پژوهی دارای ارزش‌هایی است که عبارتند از: مهیا کننده الگوهای ذهنی منسجم آینده، ساخت فرضیه‌های کلیدی، اجبار مدیران به تفکر درباره آینده، افزایش فهم و درک درباره‌ی محیط بیرونی و تشویق به تفکر راهبری و سیستماتیک. همچنین سناریوها اهدافی دارند که عبارتند از: مشخص کردن مواردی که برای مطالعه اولویت دارند، تعیین عواملان سیاسی، استراتژیک آنها و امکاناتی که برای تحقق

1. Futures Studies and Scenario
2. Horizon Scanning
3. Delphi
4. Trend Analysis
5. Drivers Analysis
6. Scenario
7. Visioning
8. Road map
9. Back Casting
10. Modeling
11. Simulation & Gaming
12. Scenario is Outline of a Natural or Expected of Events

اهداف خود دارند و در نهایت توصیف تحول سیستم مورد مطالعه (حاجیان، ۱۳۹۱: ۲۶۵).

شکل ۱- واژگان مهم در حوزه آینده‌نگری



منبع: گودرزی، ۱۳۸۶: ۹۹

### پیشینه مقاله

در زمینه روابط ژئوپلیتیکی واگرایی ایران و پاکستان مقالات متعددی نگاشته شده است. که هرکدام به نحوی عواملی را به عنوان منابع مؤثر بر واگرایی و تنش دو کشور نام بردند. در معرفی پیشینه این پژوهش، بیشتر اشاره به آن دسته از نوشته‌هایی می‌شود که بیشترین قرابت را با موضوع مورد مطالعه دارند. از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره داشت؛

۱- پایانه کارشناسی ارشد «تحلیل ژئوپلیتیک هم‌گرایی و واگرایی منطقه‌ای، مطالعه موردی: ایران و پاکستان»، نوشته ابراهیم احمدی در سال ۱۳۹۴. نویسنده در این اثر به طور مفصل در دو بخش مجزا به شرح و بسط عوامل هم‌گرایی و واگرایی در ایران و پاکستان می‌پردازد.

۲- مقاله «واگرایی در روابط ایران و پاکستان با تأکید بر افراطی‌گری مذهبی» به قلم حمیدرضا محمدی و ابراهیم احمدی که در تابستان ۱۳۹۴، در فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام منتشر شده است. نویسندگان دو رویداد مهم و هم‌زمان، یعنی اسلامی‌سازی دولت در پاکستان توسط ضیاء الحق (۱۹۸۴) و وقوع انقلاب در ایران (۱۹۷۹) را از جمله زمینه‌های پیدایش رادیکالیسم و به تبع آن واگرایی دو کشور می‌دانند که در ادامه این دو رخداد گروه‌های متعدد ضد شیعی و ضد ایرانی فراوانی در پاکستان شکل گرفت.

۳- مقاله «تحلیل ژئوپلیتیکی روابط پاکستان و همسایگان: تنش‌ها و تهدیدها» به نویسندگی

جواد اطاعت و ابراهیم احمدی که در بهار ۱۳۹۴ در فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی به چاپ رسیده است. نویسندگان در این مقاله ضمن تشریح روابط پاکستان با همسایگان در بخشی جداگانه به روابط ایران و پاکستان پرداختند و از منازعات قومی، تنش‌های مرزی، رادیکالیسم مذهبی و اختلافات دو کشور در افغانستان به عنوان منابع اصلی تنش نام می‌برند.

۴- مقاله «تبیین مدل ژئوپلیتیک روابط ایران و پاکستان» نوشته ابراهیم احمدی و علیرضا محرابی که هم اکنون در آرشیو فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی است. در این مقاله، نویسندگان مواردی نظیر: تهدیدات دولت محور از ناحیه پاکستان، حمایت پاکستان از طالبان افغانستان، روابط افراطی پاکستان و عربستان، رقابت دو کشور در آسیای مرکزی، برنامه‌ی کنترل نشده‌ی هسته‌ای پاکستان، و اختلافات مرزی (آبی و خاکی) را عوامل اصلی تنش و واگرایی دو کشور می‌دانند.

۵- مقاله «تبیین رادیکالیسم اسلامی بر روابط ایران و پاکستان» نوشته شده توسط نوذر شفیعی و رضا قلیچ خان. این مقاله در بهار ۱۳۸۹ فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام منتشر شده است. در این مقاله نویسندگان با تبیین ریشه‌های رادیکالیسم در پاکستان، نقش برهم زننده گروه‌های رادیکالیسم ضدشیعی نظیر طالبان، لشکر جهنگوی، سپاه صحابه و... را از مهم‌ترین عوامل واگرایی و تنش روابط ایران و پاکستان می‌دانند.

این مقاله نسبت به سایر مقاله‌های مشابه در این است که ضمن تبیینی بودن، از نگاهی متفاوت به متغیر دیگری تحت عنوان عوامل هم‌تکمیلی و هم‌پوشان به طور مفصل پرداخته است. در این بررسی - متغیر هم‌تکمیلی اشاره به نقش کشورهای اثرگذار در روابط ژئوپلیتیکی دو کشور دارد؛ چیزی که در پژوهش‌های مشابه کمتر به آن توجه شده است. در پایان، نویسندگان به طور ضمنی به ارائه راه حل‌ها و (سناریوهای) جهت نیل به هم‌گرایی دو کشور می‌پردازند.

### یافته‌های مقاله

معرفی و تبیین سطوح دوگانه تأثیرگذار بر واگرایی روابط ژئوپلیتیکی ایران- پاکستان  
الف. سطح اصلی / تبیین واقعیات ژئوپلیتیکی حاکم بر روابط دو کشور (گذشته و حال)  
مطالعه مقایسه‌ای مناسبات پاکستان و ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که با وجود ظرفیت‌ها و امکانات بالقوه همکاری، روابط از شکل همکاری متقابل بسیار نزدیک در دوره پهلوی به روابط متقابل آمیخته با همکاری و رقابت در سال‌های پس از انقلاب اسلامی



متحول شده. به طور کلی قبل از انقلاب، ایران بزرگترین و نیرومندترین حامی مادی، معنوی، سیاسی و نظامی پاکستان بوده است. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به ویژه قبل از به قدرت رسیدن ضیاءالحق در پاکستان، روابط اهل سنت و شیعیان پاکستان در مجموع مسالمت آمیز بود و خشونت‌های گسترده سازمان یافته و فرقه‌گرایانه در این کشور به چشم نمی‌خورد (Kepel, 2008: 102)؛ متنها در فردای پیروزی انقلاب تنش در روابط سیاسی ایران پاکستان تحت تأثیر دو پیشامد همزمان اتفاق افتاد، اولی به حکومت رسیدن ژنرال ضیاءالحق (۱۹۷۸) و آغاز برنامه اسلامی‌سازی وی (۱۹۸۴)، و دومی وقوع انقلاب اسلامی در ایران (۱۹۷۹) بود.

با وقوع انقلاب در ایران، قدرت‌یابی شیعه در ایران یا به عبارتی برخوردارشدن آن از ماهیت ایدئولوژیک، باعث شد تا حوزه نفوذ ایران در مناطق پیرامونی گسترش یابد (احمدی و لطفی، ۱۳۸۹: ۱۱۹). پاکستان نیز به عنوان همسایه بزرگ شرقی ایران کشوری بود که با سرعت از گسترش و عمق انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفت و جریان ریشه‌دار احیاگری اسلامی به ویژه در میان شیعیان، آشکارا خود را نشان داد (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۲۹). این تأثیر پذیری باعث شد که ضیاءالحق، انقلاب اسلامی ایران را به حمایت از شیعیان پاکستان متهم کند. از این رو احیای تفکر سنی افراطی از طرف ضیاءالحق گزینه‌ای مؤثر برای خنثی کردن نفوذ انقلاب ایران بود. او دامن زدن به جریان‌های دینی اهل سنت را راهی برای مهار موج اسلام سیاسی شیعی از ناحیه ایران می‌دانست؛ زیرا در سطح خارجی، ایران در مقابل پاکستانی قرار می‌گرفت که با اکثریت سنی، خواهان حفظ وضعیت موجود در منطقه خاورمیانه و بویژه خلیج فارس بود.

به طور کلی در دوران رئیس جمهوری ضیاءالحق در پاکستان یکی از شدیدترین نوع شیعه ستیزی علیه شیعیان به نمایش گذاشته شد؛ به طوری که بیش از ۸۰ هزار سنی تندرو به روستاهای شیعه نشین داروت، بونجی، جاگلوت، جلال‌آباد، پاری و ماناوار حمله کرده و آنان را ویران ساختند. در دوره‌های بعد وجود چنین تفکرانی، باعث شکل‌گیری واعلام وجود گروه‌هایی در درون جامعه اهل سنت پاکستان شد (عارفی، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

سپاه صحابه یکی از این گروه‌های متعدد، اما به شدت فرقه‌گرا و رادیکال بود. این گروه تروریستی به عنوان یکی از افراطی‌ترین گروه‌های ضد ایرانی و ضد شیعی می‌خواهند که پاکستان به شکل رسمی به عنوان سرزمینی سنی نشین معرفی شود. در واقع شکل‌گیری سپاه صحابه واکنشی به تشکیل تحریک فقه جعفری شیعه مذهب است (رفیع، ۱۳۹۴: ۲۰۱). همچنین طالبان و لشکر جهنگوی در پاکستان، از جمله گروه‌هایی‌اند که از هر حیثی (مادی و معنوی)،

آشکارا با شیعیان و ایران، در ستیزاند. نگرانی عمده ناشی از تأثیرپذیری، ایدئولوژیکی این گروه‌ها است، کما اینکه گروهک‌های تروریستی نظیر جندالله، جیش العدل و انصار در داخل خاک (استان سیستان و بلوچستان) ایران، کاملاً تحت تأثیر افکار وهابیت و دیوبندی‌اند (محمدی و احمدی، ب، ۱۳۹۴: ۱۴۵).

به طور کلی اساس حاکمیت روابط ایران و پاکستان را مسائل ایدئولوژیک شکل می‌دهد. جنبه‌های چنین رقابتی (ایدئولوژیک)، پیامدهای ویران‌گری بر پیکره جامعه قومی (بلوچ‌ها) ایران گذاشته. از آنجایی که در استان‌های مرزی ایران جمعیت قابل توجهی از اهل سنت زندگی می‌کنند و حدود ۱۰ درصد از جامعه ایران را تشکیل می‌دهند و از لحاظ قومی و فرهنگی نیز تا حدودی متفاوت‌اند - حساسیت ایران به این مسئله بیشتر شده است. پاکستان با کمک عربستان با تقویت گروه‌های افراطی در مرزهای ایران و آموزش مذهبی و عملیاتی آنها در خاک خود باعث شده تا این موضوع به چالشی امنیتی در روابط دو کشور تبدیل شود (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹: ۲۰۱). ترویج چنین تفکراتی به‌ویژه تلاش برای تکوین تشکل‌های متعدد مذهبی، علاوه بر تقویت انرژی و آگرایی این مناطق نسبت به هسته مرکزی حکومت، موجب افزایش هم‌گرایی اهل تسنن ساحل جنوب و بلوچ‌های حنفی خاور و جنوب خاوری ایران شده است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۸۲).

غیر از گروهک جندالله، گروهک‌های تروریستی دیگری مانند: انصار و جنبش العدل در سیستان و بلوچستان اعلام موجودیت کردند. جیش العدل شاخه‌ای از جندالله است که با اعدام عبدالمالک ریگی شکل گرفت. در حال حاضر مناطق مرزی ایران و پاکستان، محل استقرار گروهک‌های مذکور است (محمدی و احمدی، ب، ۱۳۹۴: ۱۶۲). خشونت‌های ضد شیعی در پاکستان از جانب گروه‌های اسلامی تندرو کماکان ادامه دارد و در سال‌های گذشته به ویژه مناطقی مانند پاچنار، گونه‌ای از پاکسازی مذهبی - فرقه‌ای را تجربه کرده و امروزه بیش از ۷۰ درصد قربانیان عملیات تروریستی در پاکستان را شیعیان تشکیل می‌دهند (مطلبی و موسوی، ۱۳۹۳: ۲۴۱). تنها بین ژانویه ۲۰۱۲ تا ژانویه ۲۰۱۳، در طی ۷۷ حمله تروریستی، ۶۳۵ شیعه به قتل رسیده‌اند، به طوری که برخی رسانه‌ها این جنایت را نسل‌کشی شیعیان پاکستان دانستند. پاکستان همواره این اتهام را که دولت این کشور و سازمان اطلاعات (ISI) در سازماندهی گروه‌های رادیکال ضد ایرانی دست دارد را رد کرد و همواره در پی رفع تنش و سوء تفاهم‌ها بوده است. اعدام حق‌نواز (۱۳۷۹/۱۲/۱۰)، قاتل شهید صادق گنجی و انحلال و غیر قانونی شمردن سپاه صحابه (۲۰۰۲) بزرگترین گروه ضد ایرانی و شیعی پاکستان، توسط ژنرال

پرویز مشرف- مثال‌هایی از این دسته نگرانی‌ها و اعتمادسازی‌ها از جانب دولت پاکستان است. ولی آنچه مشخص است تروریسم و افراطی‌گری از ناحیه‌ی گروه‌های اسلامی تندرو، چه مورد حمایت پاکستان بوده و چه مستقل و خودسرانه عمل کنند- هنوز بزرگترین تهدید و چالش روابط ما بین دو کشور به حساب می‌آید. روابط ایران و پاکستان با وجود منافع مشترک قابل ملاحظه و علقه‌های فرهنگی- تمدنی در هیچ مقطعی گرم و پایدار نبوده و در برزخی از چالش‌هایی مانند مشکلات مرزی، تعرض گروه‌های تروریستی غیرقابل مهار در پاکستان، قاچاق مواد مخدر، اختلاف نظر در موضوعات منطقه‌ای مانند افغانستان، بیداری اسلامی و امنیت منطقه‌ای قرار دارند.

### ب. سطح هم‌تکمیلی

#### نقش عربستان سعودی در واگرایی روابط ایران و پاکستان

در دوران پهلوی با وجود برخی مسائل قابل چشم‌پوشی ناشی از رقابت منطقه‌ای و حتی تفاوت‌های مذهبی، روابط دوستانه و همسویی سیاسی وجه غالب در مناسبات دو کشور ایران و عربستان بود. به طور حتم تقابل منافع ایران و عربستان درست پس از پیروزی انقلاب آغاز شد و این سرانجامی بود برای نزدیکی عربستان به حکومت تازه پای‌گرفته ضیاء‌الحق در پاکستان. عربستان به این دلیل توانست خود را به ضیاء‌الحق نزدیک سازد که این کشور همانند بسیاری از کشورهای منطقه از انقلاب ایران برداشت ایدئولوژیک یا به عبارتی برداشت شیعه- سنی داشت، یا حداقل به ترس از امواج سرایت انقلاب ایران (به دلیل ماهیت حکومت پادشاهی) به درون مرزهایش، از ایران به مثابه یک رقیب هژمونیک و مقابله‌گر در تحولات حال و آینده منطقه می‌نگریست. در نتیجه این هم‌سویی، روابط بسیار نزدیکی میان پاکستان با کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس، بویژه عربستان سعودی برقرار شد که برآیند آن در تحولات افغانستان واضح و ویرانگر بود. دو کشور عربستان و پاکستان با حمایت از گروه‌های سنی مذهب، عمدتاً پشتون در خلال اشغال افغانستان در دهه ۱۹۸۰، از یک سو به مقابله با ارتش سرخ شوروی و از سوی دیگر به مقابله با اسلام شیعی- انقلابی ایران پرداختند (غفوری و داوند، ۱۳۹۴: ۵۴-۵۵).

با این حال همکاری‌های اسلام‌آباد- ریاض در دهه‌ی ۱۹۸۰ با جدیت بیشتری دنبال شد و جریان افراطی سنی با برخورداری از آموزه‌های سلفی و وهابی در قالب طالبان از خلال این همکاری بود که یکی از بهترین اهداف آن کنترل اسلام‌گرایی شیعی در سطح منطقه بود (Kouzehgar Kaleji,

(146: 2012). عربستان برای تثبیت تفکر سلفی- وهابی خود به گونه‌ای شدیدتر به سازمان‌دهی و پرورش گروه‌های اسلامی رادیکال و ایجاد مدارس مذهبی گسترده در پاکستان پرداخت. آمار غیررسمی حکایت از آن دارد که حدود ۲۰ هزار مدرسه مذهبی در پاکستان وجود دارد. گفتنی است بیش از ۱/۵۴۹/۲۴۴ دانش‌آموز در این مدارس مشغول به تحصیل‌اند که عربستان سعودی بیشترین سهم را در تجهیز این مدارس دارد (شفیعی، ۱۳۸۶: ۵۷).

دولت عربستان در سال‌های اخیر برای گسترش وهابیت در سطح داخلی و خارجی اقدام به فعالیت‌هایی گسترده کرده است. تأسیس حوزه‌های علمیه و جذب و تربیت طلبان علوم دینی، احداث دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و مساجد، راه‌اندازی فروشگاه‌هایی در قالب تبلیغات وهابی‌گری، ورود برخی از افراد در پاره‌ای از مشاغل خدماتی و امدادی در بعضی از مؤسسات خیریه و ... همه این فعالیت‌ها با رویکرد تبلیغ و ترویج وهابیت انجام می‌گیرند

(رشیدی و شاه قلعه، ۱۳۹۱: ۱۰۵). ازین‌رو افکار و افعال سلفی‌گری وهابیت به دلیل تعارض شدیدی که با تشیع دارد، برای اختلال در روابط پاکستان و جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد (رفیع، ۱۳۹۴: ۱۸۰).

غیر از موارد یاد شده باید گفت فقر وسیع مردم پاکستان و نیازهای شدید مالی و حمایتی این کشور به عربستان، پاکستان را کشوری نیازمند قلمداد کرده که به شدت به حمایت‌های مالی عربستان وابسته است، کما اینکه عربستان سعودی میزبان یکی از بزرگترین جمعیت‌های مهاجر پاکستانی در حدود ۱/۵ میلیون نفر است. بنابراین همین دلایل کافی‌اند تا پاکستان در بسیاری از برنامه‌های عربستان سهم باشد. به طور کلی روابط عربستان سعودی و پاکستان در همه زمینه‌ها گسترده است. کمک‌های مالی فراوان و دائم به اقتصاد ورشکسته پاکستان، هم‌گرایی در مذهب و ایدئولوژی، روابط گسترده استراتژیکی و نظامی و ... بخشی از مناسبات خوب دو کشور است (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۸۶).

بی‌شک عربستان سعودی به واسطه‌ی نفوذ (مادی و معنوی) خود در پاکستان، یکی از گزینه‌های اصلی در واگرایی و روابط تنشی ایران و پاکستان است.

### رقابت منفی دو کشور در صحنه سیاسی افغانستان (رهیافت ایدئولوژیک)

از دید باراک اوباما رئیس‌جمهوری آمریکا، منطقه‌ای که افغانستان و پاکستان در آن قرار دارند، خطرناک‌ترین نقطه جهان است که نیروهای رادیکال؛ اعم از بومی (پاکستانی، کشمیری و افغانی) و غیر بومی (القاعده، جنبش اسلامی ازبکستان، نهضت اسلامی تاجیکستان، جنبش ترکستان شرقی، حزب التحریر، جریان‌های رادیکال چین و ...) در این منطقه، به ویژه در منطقه

قبایلی، بخشی از ایالت سرحد شمال غربی، بخشی از ایالت بلوچستان پاکستان و مناطق پشتون نشین جنوب و جنوب شرق افغانستان حضور دارند (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۸۵).  
زمینه اصلی رشد تروریسم و افراطی‌گری در این منطقه را باید به جهاد افغانستان نسبت داد، چرا که این جنگ به مجاهدین جوان عرب، پاکستانی، هندی و مسلمانان از آسیای مرکزی و خاوری فرصتی بزرگ برای آشنایی داد و تخم جهاد فراملی در دهه ۱۹۸۰ در خاک بارور افغانستان کاشته شد (روا، ۱۳۷۹: ۱۱۴).

پس از این به جهت اختلافات مرزی و منازعات ارضی ادامه‌دار افغانستان و پاکستان بر سر تعیین حدود خط مرزی دیگرند و محدوده قومی پشتون‌ها، پاکستان برای امتیازگیری از افغانستان، به رشد طالبان (پشتونی) در این کشور اقدام کرد. بی‌شک این اقدامات دارای آثار وخیمی بر امنیت عمومی منطقه و امنیت خصوصی جمهوری اسلامی ایران دارد، مسئله‌ای که هم‌اکنون (حمایت پاکستان از طالبان در افغانستان) نه تنها مهم‌ترین عامل تنش ایران و پاکستان در افغانستان است، بلکه مایه نگرانی شدید کشورهای مثل ایالات متحده و هند هم هست.  
رقابت ایران و پاکستان در افغانستان با استقرار دولت طالبان شکل تهدید برای ایران در افغانستان به خود گرفت و با حمایت دولت و نیروهای اجتماعی پاکستان از طالبان این کشور در حال حاضر نیز یکی از تهدیدهای اساسی برای ایران است (احمدی و بیدالله خانی، ۱۳۹۱: ۲۲).  
غیر از این، گرایش نسبی فرهنگی برخی از اقوام افغانستان (اکثریت آنان متعلق به قوم تاجیک، هزاره و قزلباش) به ایران، و گرایش برخی دیگر (بیشتر بلوچ‌ها و پشتون‌ها) به پاکستان، از عمده دلایلی است که سبب شده دو کشور ایران و پاکستان در تحولات افغانستان، بسترهای نفوذ قابل اتکایی به دست آورند. همین امر باعث شده تا افغانستان تبدیل به حوزه رقابت و نفوذ بیشتر این دو کشور شود (جوادی‌ارجمند و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۳). ادامه‌ی فعالیت گروه‌های بنیادگرا و اعمال اقدامات تروریستی علیه شیعیان و اتباع ایرانی، کشت و ترانزیت مواد مخدر و رقابت دو کشور در افغانستان برای نفوذ بیشتر در آسیای مرکزی، از دیگر چالش‌های مهم ایران در مواجهه با پاکستان در صحنه تحولات سیاسی افغانستان به شمار می‌رود.

### اثر منازعات تاریخی هند و پاکستان بر روابط دوجانبه‌ی ایران و پاکستان

پیشینه بررسی روابط سه‌جانبه ایران، پاکستان و هند نشان از این دارد که حداقل تا پایان دوره‌ی پهلوی دوم پاکستان نسبت به هند در سیاست خارجی ایران دارای جایگاهی به مراتب بهتر بوده به طوری که ایران در جریان جنگ‌های هند و پاکستان در ۱۹۴۷ و ۱۹۶۵ از هیچ‌گونه

کممک به همسایه خود (پاکستان) دریغ نکرد. پس از جنگ سوم پاکستان و هند که منجر به تأسیس بنگلادش در سال ۱۹۷۱ شد - سیاست دولت ایران نیز کماکان در حمایت از پاکستان بود (محمدی و احمدی، (الف)، ۱۳۹۴: ۱۱۹). از این رو افکار عمومی هند در دهه‌ی ۱۹۷۰ ایران را نه تنها متحد پاکستان، بلکه کشوری با گرایش‌های ضد هندی قلمداد می‌کرد. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و عضویت ایران در جنبش عدم تعهد، ایران به تدریج از پاکستان دور شد و به هند نزدیک شد. در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ مواضع پاکستان در جنگ ایران و عراق و عدم شرکت در تحریم‌های غرب علیه ایران، روابط ایران و پاکستان بهبود پیدا کرد. حتی در اواخر ۱۹۸۸ با آزمایش هسته‌ای هند، ایران در همراهی با پاکستان، نگرانی خود را اعلام کرد. سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت ایران گفت: «ما از اینکه چنین اتفاقی افتاده، متأسفیم و از آزمایش‌های هسته‌ای هند احساس نگرانی می‌کنیم.» وی خطاب به مقامات پاکستان اضافه کرد: «ما امنیت شما را به طور جدی در نظر داریم وضعیت شما و برادرمان، ملت پاکستان را می‌فهمیم. امنیت پاکستان به عنوان دولت دوست، برادر و همسایه برای ما حیاتی است. ما مسئله‌ی شما را به شدت مهم تلقی کرده و در کنار شما می‌ایستیم» (Alam, 2004: 534).

مسائل ایدئولوژیک، روابط ایران و پاکستان تحت شعاع کنش و واکنش‌های ایدئولوژیک بوده؛ به طوری که از میانه دهه ۱۹۹۰ و هم‌زمان با جنگ داخلی افغانستان و تشدید فعالیت گروه‌های تروریستی و بنیادگرا روابط ایران و پاکستان به سردی گرایید (واعظی و کوزه‌گر کالچی، ۱۳۹۰: ۹۲-۹۳). هم‌اکنون ایران در ترجیح هر کدام از دو کشور بر آن یکی جانب احتیاط و اصل موازنه منافع را دارد. از سوی دیگر ایران به واسطه‌ی همسایگی با پاکستان، وجود مرزهای طولانی با این کشور و روابط فرهنگی و تاریخی دیرینه در طرح‌های ضد پاکستانی - هند و آمریکا شرکت نمی‌جوید و پاکستان را دوست و همسایه‌ی مطمئن خود قلمداد می‌کند، از دیگر سو ایران با هند در پاره‌ای از موضوعات منطقه‌ای و جهانی، نظیر نقش برهم زنده‌ی پاکستان در امنیت افغانستان، حمایت این کشور از طالبان و دیگر گروه تروریستی با هند هم‌سو است. درست است که افغانستان از نظر جغرافیایی جزو شبه قاره هند محسوب نمی‌شود لیکن از نظر اجتماعی و سیاسی و تاریخی همواره در تحولات شبه قاره تأثیرات زیادی داشته است. ایران نیز همواره از ابعاد سه گانه ژئوپولیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچری، از سیاست‌های پاکستان در افغانستان متأثر شده است (عزتی و کاویانی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). مشارکت استراتژیک هند با افغانستان، عمق استراتژیک این کشور را تا آسیای مرکزی گسترش می‌دهد؛ که نه تنها در محاصره هند، توسط چین و پاکستان جلوگیری می‌کند، بلکه باعث محاصره

مهار پاکستان شده و فشارهای مضاعفی را بر این کشور وارد می‌سازد. ژئوپلیتیک ایران نیز ایجاب می‌کند از نفوذ هر کشور خارجی در افغانستان که بتواند با منافع ایران در این کشور رقابت کند، پیشگیری کند. پاکستان رقیب بالقوه است (فولر، ۱۳۷۷: ۲۵۳). از دیدگاه‌های مشترک، هند و ایران هر دو نگران تروریسم و افراطی‌گری است که منشاء آن پاکستان است. افزایش تهدیدات امنیتی ناشی از پدیده تروریسم، بویژه اقدامات گروه‌های افراطی و تکفیری در منطقه آسیای غربی و جنوب غربی آسیا و همچنین شبه قاره هند، تهدیدهای مشترکی برای امنیت ملی دو کشور و همچنین امنیت و ثبات امنیتی منطقه محسوب می‌شود. تجربه نشان داد که هرگاه در افغانستان و پاکستان گروه‌های تروریستی و تندرو قدرت بیشتری یافتند (مقصودی و حیدری، ۱۳۸۸: ۵۰)؛ دامنه ناآرامی‌ها و تنش‌های به وجود آمده از ناحیه این گروه‌ها به هند و ایران سرایت کرده است. اجمالاً هند و ایران نگرانی مشترکی درباره نقش گذشته و حال پاکستان در تقویت اسلام‌وهابی و تأمین انواع کمک برای طالبان دارند (Fair, 2011: 105). انعکاس نگرانی مشترک ایران و هند درباره تروریسم به طور کلی و القاعده و طالبان به طور خاص، سبب شد که برای مقابله با تهدیدات ناشی از پدیده تروریسم در سال ۲۰۰۳ گروه کاری مشترک هند و ایران برای مقابله با حرکات تروریستی در منطقه ایجاد شود (احمدی فشارکی، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

از دیگر موضوعاتی که به نوعی باعث هم‌گرایی ایران و هند شده و شاید چالشی برای پاکستان باشد، اشتیاق هند جهت توسعه و سرمایه‌گذاری در بندر چابهار ایران است، هند قصد دارد از طریق این بندر وارد آسیای مرکزی و افغانستان شود. توسعه این بندر توسط هند، سبب می‌شود تا هند با توجه به روابط و مشترکات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران با کشورهای آسیای میانه و افغانستان برای تجارت با این کشورها، دیگر نیازی به حمل کالاهای خود از طریق خاک پاکستان نداشته باشد (Ali Khan, 2012: 125). در درجه بعدی، چابهار رقیب جدی بندر گوادر است. هند قصد دارد از طریق گسترش همکاری‌هایش در بندر چابهار، حوزه نفوذش را در رقابت با چین و پاکستان در کرانه‌های دریای عمان و اقیانوس هند گسترش دهد. ایران بر اساس اصل موازنه‌ی منافع، سعی در تعادل روابط خود با هر دو کشور هند و پاکستان دارد، برتری‌های هند (جایگاه ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی این کشور، برخورداری از اهرم‌های قدرت اقتصادی، تکنولوژیکی، سیاسی و ...)، نسبت به پاکستان؛ روابط ایران با هند عمیق‌تر و گسترده‌تر است.

### تجزیه و تحلیل نتایج/ارائه سناریوهای همگرایی روابط ژئوپلیتیک ایران- پاکستان

تجزیه و تحلیل داده‌های این مقاله نشان می‌دهد، محیط سیاسی پاکستان با منابع هویتی چالش‌زایی نظیر قومیت و نژاد، مذهب و ایدئولوژی گره خورده است که کارکردهای این منابع در دست آخر نتیجه‌ای جز خشونت ندارد (اطاعت و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۹). همان‌طور که گفته شده، سطح اصلی منازعات ایران و پاکستان در برگیرنده منازعات ایدئولوژیک است. به نوعی منازعات ایران و پاکستان در سطح دوم (هم‌تکمیلی) نیز از این قاعده مستثنی نیستند، بنا به سطح هم‌تکمیلی رقابت‌های ایران و پاکستان در افغانستان نیز به نوعی رنگ و بوی ایدئولوژیک دارد، عامل اصلی پیوند عربستان با پاکستان است. در مورد تأثیر منازعات هند و پاکستان بر روابط ایران و پاکستان باید گفت، مهمترین علت وجودی نزدیکی روابط ایران و هند به تبع از پاکستان بحث امنیت و ناامنی است، نویسندگان معتقدند، با وجود همه پتانسیلهایی هم‌گرایی که ایران و هند در بسیاری از زمینه‌ها دارند، شاید مهم‌ترین دلیل نزدیکی روابط ایران و هند در این بررسی بحث تهدید وجودی است، چیزی که از جانب گروه‌های اسلامی رادیکال- پاکستانی موجودیت مرزهای اکثر همسایگان این کشور را به چالش می‌کشد. با توجه به آزمون فرضیات و تجزیه و تحلیل نتایج، به ارائه پیشنهاداتی جهت هم‌گرایی هر چه بیشتر دو کشور می‌پردازد؛

#### الف. تنش‌زدایی با عربستان سعودی، پیش شرط همگرایی ایران و پاکستان

بی‌شک تنش‌زدایی با عربستان سعودی می‌تواند نقش بسزایی در روابط ایران و پاکستان ایفا کند. عربستان سعودی در پاکستان دارای نفوذ گسترده‌ای است. نفوذ عربستان در پاکستان بر همه شئون سیاسی، دینی، اقتصادی، فرهنگی و ... آشکار و غیر قابل انکار است. عربستان سعودی در بسیاری از روزهای سخت و از جنگ شوری در افغانستان گرفته تا تحریم‌های بین‌المللی غرب علیه برنامه هسته‌ای پاکستان، همواره تنها حامی جدی پاکستان بوده است. سطح روابط تجاری پاکستان با عربستان حدود ۵۹ میلیارد دلار برآورد شده است. فقط در طول پنج سال گذشته (۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴) عربستان ۲۷۰ میلیون دلار در حوزه‌های مختلف پاکستان مثل: انرژی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مواد غذایی، کشاورزی و ... سرمایه‌گذاری کرده. قابل ذکر است ۳۷ درصد از سهم سرمایه‌گذاری خارجی پاکستان، متعلق به عربستان است (Ahmad & Faisal, 2014: 32-33).

پاکستان نیز عربستان را شریک استراتژیک خود می‌داند و در تمرکز با مسائل عربستان بسیار حساس است. در پی تجاوز هوایی عربستان به یمن در ۶ فروردین ۱۳۹۴، پرویز مشرف نخست‌وزیر وقت پاکستان در جریان نشستی بلندپایه در اسلام آباد گفت: «پاکستان روابط بسیار دوستانه و نزدیکی با دولت ریاض و سایر کشورهای عضو شورای همکاری حوزه خلیج فارس



دارد. هر گونه تهدید علیه عربستان با واکنش سریع و شدید از جانب اسلام آباد پاسخ داده می‌شود» (Dawn News, 2015). پاکستان نه خواهان از دست دادن عربستان با مزایای فراوانش است و نه خواهان تنش با ایران با ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک، فرهنگ و قومیت مشترک است (احمدی، ۱۳۹۴: ۲۲۷).

می‌توان گفت با افزایش نگرانی‌های عربستان سعودی درباره تغییر توازن قوا در منطقه خاورمیانه به نفع ایران، دولت پاکستان بر روی طناب حرکت می‌کند، از سویی سعی دارد تا روابط خود با ایران به عنوان کشور همسایه را گسترش دهد و از سوی دیگر روابطش با عربستان سعودی را حفظ کند» (ملازهی، ۱۳۹۳). باید گفت اوج‌گیری رقابت‌های شیعه - سنی بعد از تحولات بهار عربی به ضرر هر دو کشور ایران و عربستان بوده است (Barezgar, 2013).

با توجه به موارد یاد شده، تنش‌زدایی میان عربستان و ایران به واسطه دوستی این کشور با پاکستان و با میانجی‌گری پاکستان تا حد زیادی تهدیدات ناشی از افراطی‌گری گروه‌های رادیکال را از بین می‌برد. عربستان دارای بیشترین نقش در ترغیب و سازماندهی گروه‌های تهدید کننده ایران و شیعه (سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، طالبان و...) در پاکستان است. ایران به حداقل رساندن تهدیدات مرزهای شرقی خود به واسطه کنش خشن این گروه‌ها به تعمیق روابطش با عربستان پردازد.

### ب. ایران و پاکستان و لزوم حل بحران سیاسی افغانستان

پاکستان همیشه در دام تصورات نادرست است و با وجود تغییرات در عناصر و عوامل تعیین کننده در سیاست خارجی سیاست انعطاف ناپذیر و مبتنی بر خشونت و برهم‌زدن نظم منطقه و همسایگان شده است (فرزین‌نیا، ۱۳۸۳: ۷۲-۷۱). افغانستان بنا بر همسایگی پاکستان در سال‌های جهاد و مقاومت و پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی همیشه نقش یک کشور حایل را بازی کرد. با توجه به چنین وضعیتی هر دو کشور ایران و پاکستان در هر سطحی که توانایی‌های لازم برخوردار بودند به عمق استراتژیک خود در افغانستان دامن زدند. همسایگی افغانستان با منطقه حساس آسیای جنوبی که به لحاظ ساختار قومیت‌ها و مذاهب مختلف، مشکلات اقتصادی، مشکلات امنیتی، رشد افراط‌گرایی و تروریسم، امنیت انرژی و ... در این اواخر مستعد شدیدترین نوع بی‌ثباتی در منطقه شده است. ناتوانی کشورهای آسیای جنوبی در مهار عوامل بی‌ثباتی باعث شده که بیش‌ترین مشکلات با افغانستان باشد. افغانستان کماکان زمین بازی بحران منطقه‌ای لاینحل است. بی‌شک پیامد بحران و بی‌ثباتی در افغانستان بیش از هر کشوری، دامن گیر ایران و پاکستان است که بیش از اینکه به بحران افغانستان دامن بزنند به

رهیافت منطقی‌تری در جهت حل مسائل افغانستان بیندیشند. بحران افغانستان و ثبات امنیت این کشور بیش از اراده هر کشور ثالثی و حتی هر قدرتی در صلاحیت همسایگان با نفوذ و ذی صلاح است. ایران و پاکستان بیش از دیگران صلاحیت دارند. چنین منطقی یادآور نطق تاریخی ژنرال ایوب‌خان است. در ۷ اوت ۱۹۶۲، ژنرال ایوب‌خان رئیس‌جمهور پاکستان، پیشنهاد کنفدراسیونی از سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان را مطرح کرد. وی طی نطق تاریخی اینگونه گفت: «باید بین ایران، پاکستان و افغانستان رابطه نزدیکتری باشد؛ تا این سه کشور از لحاظ داخلی مرفع و از لحاظ خارجی محفوظ بمانند. وی گفت که مردم پاکستان، ایران و افغانستان از یک نژاداند و بین آنها ریشه عمیق تاریخی و فرهنگی وجود دارد، به عقیده وی مردم این سه کشور برای دفاع در مقابل فشارهای خارجی و سعادت خود این اتحاد را می‌پسندند مشروط به اینکه حاکمان آنها اجازه دهند» (بهمنی قاجار، ۱۳۸۵: ۶۷). ایران و پاکستان در کنار افغانستان باید به شکلی مثلی واحد باشند. تمرکز بر مشترکات و منافع متقابل می‌تواند رهنمودی برای یافتن یک راه حل متعارف باشد. تکیه بر فرهنگ مشترک، مرز و جغرافیای و امنیت مشترک می‌تواند پیش‌فرض‌هایی از راه‌های گوناگون باشند. نباید فراموش کرد به لحاظ تمدنی بخش اصلی از جمعیت هر سه کشور ایران و افغانستان از نژاد آریایی است. افتخارها و اسطوره‌های مشترکی، مانند: جمشید (یمه)، سام و نریمان، رستم داستان و فرامرز، میراث مشترک هر سه کشور است (بهمنی قاجار، ۱۳۸۵: ۶۳). غیر از این دو کشور ایران و پاکستان جمعیت کثیری از پناهندگان افغان را پذیرفته‌اند که به علت وجود ناامنی در افغانستان و نبود زیرساخت‌های اقتصادی برای ادامه معیشت قادر به بازگشت به کشور خود نیستند و این امر هزینه سنگینی را به دو کشور تحمیل کرده. وجود ناامنی داخلی در افغانستان زمینه‌ساز به وجود آمدن بحران امنیتی در دو کشور ایران و پاکستان می‌شود. روی آوردن گروه‌هایی از مهاجرین به کارهای خلاف مثل، قاچاق مواد مخدر، دزدی، انسان‌ربایی و غیره، وحشت را در بین مردم دو کشور ایران و پاکستان ایجاد و امنیت داخلی را شکننده می‌سازد (پورخسروانی، ۱۳۸۵: ۲۳۳). همکاری ایران و پاکستان با یکدیگر و تلاش در جهت جذب همکاری دیگر کشورهای منطقه‌ای و جهانی برای بازگرداندن آرامش به درون افغانستان و کمک به ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و تحولات فرهنگی اجتماعی در این کشور می‌تواند موجب ایجاد فضای با ثبات در این کشور گردد. ضروری است با خروج احتمالی نیروهای آمریکا از افغانستان، ایران و پاکستان به جای سیاست‌های متضاد گذشته در افغانستان، سیاست‌های همسو و مکملی را دنبال کنند (Khanyari, 2014). بی‌شک ایران و پاکستان بیش از

دیگران قادرند به خروج بحران از افغانستان یاری رسانند. به طور حتم ثبات افغانستان، ضمن بخشیدن امنیت به این کشور، می‌تواند تا حدود زیادی بر تنش‌زدایی روابط ایران و پاکستان نیز اثر گذارد.

### ج) همگرایی هند- پاکستان و ایران بر مبنای وابستگی‌های متقابل

توجه ایران به منطقه آسیای جنوبی دیدی استراتژیک است. مهترین مؤلفه‌ای که باعث می‌شود با وجود نقش ایران نوعی هم‌گرایی بین دو کشور حاکم شود جایگاه منحصر به فرد ایران به لحاظ منابع انرژی است. صدور گاز ایران به کشورهای هند و پاکستان در جهت افزایش ظرفیت و تراز بازرگانی، اقتصادی و امنیتی منطقه به کار می‌آید و ایران با داشتن یک سیاست تعامل سازنده و اصولی در راستای دستیابی به بازارهای تازه، می‌تواند زمینه‌ای برای ایفای نقش در مناسبات و مبادلات منطقه‌ای و جهانی هم‌سو با منافع ملی خود فراهم آورد. مناقشه سیاسی، مرزی، و حتی تهدیدات هسته‌ای، موانعی جدی بر سر راه روابط اقتصادی و تجاری در این منطقه است. ده‌ها سال پس از جدایی پاکستان، هر دو کشور هند و پاکستان، سیاست‌های اقتصادی درون‌گرا را دنبال کرده‌اند. اما از زمان اکتشاف حوزه گازی عظیم پارس جنوبی، دولت ایران نقش خود را به منظور صادرات بیشتر انرژی (گاز) توسعه بخشیده است. کشورهای جنوب آسیا مانند هند و پاکستان با برخورداری از منابع اندک گاز طبیعی و تقاضای بالای انرژی در زمره بازارهای هدف ایران محسوب می‌شوند. پاکستان نقش بالقوه تأمین‌کننده‌ی این بازار را ندارد، اما مسیر ترانزیتی بالقوه‌ای برای تأمین انرژی از ایران و آسیای مرکزی است. این مهم مستلزم احداث یک خط یا دو خط لوله جدید و سرمایه‌گذاری کلان برای آماده شدن زیر ساخت‌هاست که هم نوید بخش ثبات سیاسی است و هم امکان عملی شدن اقتصادی پروژه‌ها را تضمین می‌کند.

یکی از پروژه‌هایی که می‌توانست نقش همگرایی را برای سه کشور و به‌ویژه هند و پاکستان به وجود آورد، خط لوله صلح بود. با وجود فواید زیادی که این پروژه برای هر سه کشور ایران، پاکستان و هند دارد؛ ولی تا کنون اقدامات عملی جهت اجرای کامل طرح از طرف پاکستان انجام نگرفته است. تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، فشارهای عربستان سعودی بر دولت پاکستان، اختلافات دامنه‌دار و عدم اعتماد دولت‌های هند و پاکستان به یکدیگر، حضور رقبای منطقه‌ای (ترکمنستان، قطر، عمان) و ارائه پیشنهادات مطلوب‌تر دال بر فروش انرژی ارزان‌تر به پاکستان، از جمله عواملی‌اند که در به سرانجام نرسیدن پروژه خط لوله صلح بی‌تأثیر نبودند.

اختلافات و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای، تروریسم، نا آرامی‌های سیاسی در داخل و در کشورهای همسایه؛ اختلاف ارضی و مرزی دو کشور، از مهمترین عوامل تهدید کننده امنیت انرژی هندوستان از طریق مسیرهای انتقال پاکستان است (Sahir & Qurehi, 2007: 2036). هر چند خط لوله صلح به احتمالی طرح شکست خورده‌ای باشد، ولی ضرورت واردات انرژی هند و پاکستان از ایران به هیچ وجه منتفی نیست. به احتمالی با شکست خط لوله صلح، هند مشتاق است که از طریق بستر دریای عمان از ایران گاز وارد کند. در صورت توافق نهایی دو کشور، گاز ایران از طریق خط لوله ۱۴۰۰ کیلومتری زیردریایی به هندوستان صادر می‌کند که به عنوان طولانی‌ترین خط لوله انتقال گاز زیردریایی جهان به شمار می‌رود (Kumar, 2015). تقاضای گاز طبیعی هند از ۵۹ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۰ به ۱۸۶ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۳۵ افزایش یافت (شادی‌وند، ۱۳۹۲: ۱۴). غیر از این، ذخایر گاز پاکستان تا حدود ۱۶/۷ سال دیگر تمام می‌شود (BP, 2014). بنا به گزارش بریتیش پترولیوم (BP) در سال ۲۰۱۳، ایران با ۹/۳ درصد کل ذخایر نفت جهان، چهارمین دارنده بزرگ ذخایر نفتی جهان است (BP, 2013). این میزان نفت بر اساس گزارش ۲۰۱۵، نیز است. همچنین بریتیش پترولیوم (ژوئن ۲۰۱۵)، ذخایر گازی ایران را ۳۴ تریلیون متر مکعب اعلام کرد، که، ایران بزرگترین دارنده منابع گازی جهان به شمار می‌رود (BP, 2015: 6). بر این اساس، ایران از نظر داشتن ذخایر غنی انرژی‌های فسیلی و توان استخراج و صادرات جزو کشورهای مهم جهان قلمداد می‌شود، اهمیت این موضوع گویای این است که هند و پاکستان تأمین نیازهای انرژی خود به ایران نیاز دارند.

در آینده‌های نزدیک، نگرانی‌های انرژی‌های انرژیک (از حیث امنیت و منبع، مسیر و هزینه‌های تأمین)، هند و پاکستان را وادار به پذیرش مصالحه بکند، ضمن اینکه چنین طرح‌هایی می‌تواند در جهت کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در منطقه؛ به همکاری منطقه‌ای، جذب سرمایه خارجی و شکوفایی اقتصادی منطقه جنوب آسیا کمک کند (سازمند و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۲).

بی‌شک ایران به عنوان یکی از کانون‌های مهم انرژی، می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند. به جرأت می‌توان گفت حل منازعات ارضی و مرزی (بحران کشمیر) دو قدرت اتمی هند و پاکستان تا حد زیادی می‌تواند، زمینه‌های ثبات منطقه‌ای را فراهم آورد، از این حیث ایران می‌تواند نقش اصلی را در روابط هم‌گرایی هند و پاکستان داشته باشد.

د) لزوم مشارکت واقعی ایران و پاکستان در گروه‌بندی‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی یکی از راه‌هایی که می‌تواند ابزار نزدیکی دو کشور را فراهم آورد مشارکت جدی دو

کشور در سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی است. از جمله‌ی این سازمان‌ها که هر دو کشور نیز در آنها مشارکت دارند می‌توان به سازمان اقتصادی اکو<sup>۱</sup> و سازمان امنیتی-سیاسی شانگهای<sup>۲</sup> و کنفرانس اسلامی<sup>۳</sup> و سازمان کشورهای اسلامی در حال توسعه<sup>۴</sup> موسوم به (D-8) است. هر کدام از سازمان‌های نام برده، دارای کارآیی و توانمندی‌های خاص خود است. سازمان اکو هم‌اکنون با ده عضو (حدود ۳۳۰ میلیون تن جمعیت دارد و با داشتن وسعت ۶۹۷۶۲۰۸ کیلومتر مربع کشورهای عضو از امکانات نفت، گاز و صنعت برخوردار است. سازمان شانگهای با مشارکت چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان به عنوان شش عضو اصلی، اضافه شدن مغولستان در سال ۲۰۰۴ و یک سال بعد با اضافه شدن سه کشور ایران، پاکستان و هند به عنوان عضو ناظر به عنوان یک سازمان قدرتمند (به واسطه سه قدرت چین، روسیه و هند) عمل می‌کند.

سازمان کنفرانس اسلامی، نیز امروزه به عنوان بزرگترین جامعه کشورهای مسلمان در جهان قلمداد می‌شود. این سازمان هم‌اکنون با داشتن ۵۷ کشور مسلمان عضو، ۷۴ درصد ذخایر نفت شناخته شده جهان و ۵۰ درصد ذخایر گاز جهان و با در اختیار داشتن تنگه‌ها و آبراهه‌ها و ۲۰ درصد از مناطق آبی و خاکی مهم جهان، و ۵/۱ میلیارد جمعیت، ازپتانسیل بسیار بالایی در معادلات جهانی برخوردار است. به طور کلی روند شکل‌گیری سازمان کنفرانس اسلامی با روند کنونی نظام ژئوپلیتیک جهانی هم‌خوانی دارد (مجتهدزاده، ۱۳۹۰: ۲۶۰).

سازمان کشورهای اسلامی در حال توسعه (دی-هشت) متشکل از هشت کشور مسلمان در حال توسعه: اندونزی، ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه است. همکاری‌های مورد نظر در این گروه‌بندی شامل: زمینه‌های صنعت، کشاورزی، مخابرات و اطلاعات، تجارت، علوم تکنولوژی، توسعه نیروی انسانی، بهداشت، توسعه روستایی، بانکداری و انرژی است (محرابی و اقتدارنژاد، ۱۳۹۳: ۲۱۱). به طور کلی پاکستان به علت نقص ژئوپلیتیکی و فقدان عمق استراتژیک و همچنین به دلیل گنجانده نشدن در محیط امنیتی خاورمیانه، اوراسیا و جنوب شرق آسیا (به علت ایجاد انسداد صنعتی توسط کشور هند) در کنار تلاش برای ائتلاف با غرب سعی در حضور نهادهای منطقه‌ای پیرامونی خود دارد (شایان، ۱۳۸۶: ۴۲۸).

از خطوط اصلی منافع پاکستان در این گروه‌بندی‌ها، تأکید بر طرح‌هایی است که قادراند

1. Economic Cooperation Organization
2. Shanghai Cooperation Organization (SCO)
3. Organization of Islamic Cooperation
4. Developing 8 / D-8 or Developing Eight

به صورت بنیادین بر اقتصاد پاکستان مؤثر باشند (نظیف کار و نوروزی، ۱۳۸۲: ۱۸۸). ایران نیز با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیک خاص خود مثل قرارگیری در دالان شمال- جنوب (دریای خزر- خلیج فارس)، توان بالقوه ارتباط انرژی و اقتصادی، می‌تواند نقش به‌سزایی در تأمین انرژی پاکستان و سایر کشورها است. ایران و پاکستان هر دو دارای پتانسیل‌های فراوانند که می‌توانند با مشارکت فعال در سازمان‌های مذکور روند هم‌گرایی و روبه‌جلویی را تجربه کنند

### نتیجه‌گیری

درک منطق پاکستان در برخورد با همسایگان نیاز به فهم تاریخی تحولاتی که پاکستان از زمان استقلال خود (۱۹۴۷) از هند تا کنون از سرگذرانده و پاکستان طی همین شش دهه که از استقلالش می‌گذرد حوادث زیادی را به خود دید: بحران کشمیر، استقلال از بنگلادش، مشکلات حل‌نشده مرزی با افغانستان، کودتاهای متعدد ژنرال‌ها، جنگ شوروی با افغانستان، مشکلات فرقه‌ای و قومی، اقتصاد ورشکسته، ضعف در نهادهای دموکراسی و غیره گویای پیچیدگی‌هایی است که درک آن بدون مطالعه تحولات شش دهه پاکستان دشوار است. کما اینکه این کشور با مشکلات بیرونی در برخورد با همسایگان نیز دچار سردرگمی است. توسل به سیاست‌های نامعقول نظیر: حمایت از گروه‌های تروریستی در برخورد با همسایگان، بخشی از راهبرد چالش برانگیز این کشور است که پاکستان را در مواضع کاملاً تنش‌ی و نماینده ارباب و رادیکالیسم معرفی می‌کند. ایران نمی‌تواند نسبت به مسائل پاکستان بی‌تفاوت باشد، چرا که با پاکستان همسایه است. این کشور از یک طرف دارای پتانسیل‌های تهدیدی است نظیر: تجهیز به سلاح‌های کشتار جمعی (اتمی)، گروه‌های متعدد ضد شیعی، جمعیت حدود ۲۰۰ میلیونی (به مثابه فرصت و تهدید)، تنش‌های قومی، ناملایمات مرزی و غیره. و از طرفی دیگر دو کشور استعداد‌های فراوانی برای برقراری روابط هم‌گرایانه دارند. وجود عقبه‌های قومی و فرهنگی، عضویت در گروه‌بندی‌های اقتصادی و سیاسی (اکو، شانگهای، کنفرانس کشورهای اسلامی)، تمرکز بر مسائل انرژی و... مواردی‌اند که دو کشور باید بر آنها تمرکز بیشتری داشته باشند. نویسندگان بر این عقیده‌اند، که پاکستان به هیچ‌وجه در پی تنش با ایران نیست، مسئولین پاکستانی هیچ‌وقت از گرفتاری‌های به وجود آمده در روابط دو کشور ابراز خشنودی نکرده و بلافاصله در پی هر اتفاقی هیئتی دیپلماتیک را برای رفع سوء تفاهم‌های به وجود آمده راهی تهران می‌کردند. حتی با وجود همه‌ی نزدیکی روابط مطلوب پاکستان با عربستان سعودی، سعی

داشته نقش بی‌طرفی داشته باشد. به طور کلی دو کشور (به ویژه پس از انقلاب) روابط خصمانه‌ای نداشته‌اند و از سطح قابل قبولی از روابط همگرایی برخوردار نبودند. با این همه نویسنده، ضمن رد این گمان که پاکستان در آینده تهدیدی برای ایران است، معتقد است پاکستان با وجود تمام پتانسیل‌هایی که دارد، بیش از دیگران شایسته برقراری روابط مستحکم حتی در سطح راهبردی است. به طور کلی این کشور آنچنان که شایسته است از جایگاه مطلوب و قابل قبولی در سیاست خارجی ایران ندارد.

## منابع

## الف) فارسی

- اطاعت، جواد و احمدی، ابراهیم. (۱۳۹۴). «تحلیل ژئوپلیتیکی روابط پاکستان و همسایگان: تنش‌ها و تهدیدها»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۷، شماره ۲۴.
- احمدی، ابراهیم. (۱۳۹۴). ژئوپلیتیک همگرایی و واگرایی منطقه‌ای؛ مطالعه موردی: ایران و پاکستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- امام زاده، پرویز. (۱۳۹۲). «نگرانی غرب و بازیگری قدرت‌های منطقه‌ای پس از خروج نیروهای ناتو از افغانستان»، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، شماره ۳۶۵.
- احمدی، حمید و بیدالله‌خانی، آرش. (۱۳۹۱). «طالبان پاکستان: علل پیدایش، ماهیت و چالش‌های امنیتی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۱.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۱). مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- احمدی فشارکی، حسنعلی. (۱۳۹۰). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و هند: حوزه‌های تعامل و تقابل»، فصلنامه مطالعات جهان، زمستان، شماره ۲.
- بهمنی قاجار، محمدعلی. (۱۳۸۵). «ژنرال ایوب‌خان و پیشنهاد تشکیل کنفدراسیون، ایران، پاکستان و افغانستان»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، دوره ۴، شماره ۱۴.
- پورخسروانی، انیس. (۱۳۸۵). «همکاری ایران و پاکستان در زمینه امنیت انسانی: موانع و راهکارها»، در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، کاویانی‌راد، مراد. (۱۳۹۳). فلسفه جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ اول، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حسین‌پورپویان، رضا و دیگران. (۱۳۹۱). «تبیین ژئوپلیتیک روابط قدرت در منطقه شبه قاره هند پس از وقوع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۳»، فصلنامه ژئوپلیتیک، پاییز، دوره ۸، شماره ۳.
- رفیع، حسین. (۱۳۹۴). «تأثیر نفوذ وهابیت در پاکستان بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، زمستان، دوره ۸، شماره ۳۲.
- رشیدی، احمد و شاه‌قلعه، صفی‌الله. (۱۳۹۱). «مبانی فکری ضدیت طالبان با شیعیان»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، تابستان، دوره ۱، شماره ۲.



- رواء، الیویه. (۱۳۷۹). *افغانستان، از جهاد تا جنگ‌های داخلی*، ترجمه علی عالمی کرمانی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- سازمند، بهاره و دیگران. (۱۳۹۳). «چشم‌انداز موازنه قدرت در روابط هند- پاکستان در پرتو تحولات اخیر»، *فصلنامه روابط خارجی*، بهار، دوره ۶، شماره ۱.
- شفیعی، نوذر و قلیچ‌خان، رضا. (۱۳۸۹). «تبیین رادیکالیسم اسلامی بر روابط ایران و پاکستان»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، بهار، دوره ۱۱، شماره ۴۲.
- شفیعی، نوذر. (۱۳۸۶). «ریشه‌ها و پیامدهای درگیری نیروهای مذهبی با دولت پاکستان»، *همشهری دیپلماتیک*، شماره ۱۶.
- شایان، فاطمه. (۱۳۸۶). «علل تمایل هند و پاکستان برای عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای»، در *مجموعه مقالات چهاردهمین همایش آسیای مرکزی و قفقاز*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عزتی، عزت‌الله و کاویانی، احمد. (۱۳۸۷). «سیاست منطقه‌ای پاکستان در شبه قاره و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، زمستان و بهار، شماره ۳۱.
- عارفی، محمداکرم. (۱۳۸۲). *جنبش اسلامی پاکستان؛ بررسی عوامل ناکامی در ایجاد نظام اسلامی*، قم: بوستان کتاب.
- غفوری، محمود و داوند، محمد. (۱۳۹۴). «ارزیابی و تحلیل تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نقش انقلاب اسلامی»، *مجله سیاست دفاعی*، تابستان، دوره ۲۳، شماره ۹۱.
- فرزین‌نیا، زیبا. (۱۳۸۳). *سیاست خارجی پاکستان*، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- فولر، گراهام. (۱۳۷۷). *قبله عالم؛ ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- کاویانی‌راد، مراد. (۱۳۸۹). *ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کوهن، سائول برنارد. (۱۳۸۷). *ژئوپلیتیک نظام جهانی*، ترجمه عباس کاردان، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- کریمی‌پور، یدالله. (۱۳۷۹). *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم.

- کاظمی، علی اصغر. (۱۳۷۰). *نظریه هم‌گرایی در روابط بین‌الملل*، چاپ اول، تهران: نشر قومس.
- محمدی، حمیدرضا و احمدی، ابراهیم. (۱۳۹۴). *ژئوپلیتیک ایران و پاکستان (زمینه‌های همگرایی و واگرایی منطقه‌ای)*، چاپ اول، تهران: نشر انتخاب.
- محمدی، حمیدرضا و احمدی، ابراهیم. (۱۳۹۴). (ب). «واگرایی در روابط ایران و پاکستان با تأکید بر افراطی‌گری مذهبی»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، تابستان، دوره ۴، شماره ۱۴.
- محرابی، علیرضا و اقتدارنژاد، محمد. (۱۳۹۳). «مدل تبیینی ژئوپلیتیک پاکستان در حوزه رقابت و همکاری با جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر موقعیت و نقش آفرینی منطقه‌ای)»، *فصلنامه مطالعات شبه قاره*، بهار، دوره ۶، شماره ۲۰.
- مطلبی، مسعود و موسوی، سید محمدرضا. (۱۳۹۳). «بررسی نقش خشونت‌های ضد شیعی در پاکستان بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، دوره ۳، شماره ۹.
- ملازهی، پیرمحمد. (۱۳۹۳). «پاکستان کشوری غنی و البته محدود»، منتشر شده در روزنامه گسترش صنعت، ۱۹ آذر، به آدرس: [www.smtnews.ir/component/tags/tag/2811](http://www.smtnews.ir/component/tags/tag/2811).
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۹۱). *فلسفه و کارکرد ژئوپلیتیک (مفاهیم و نظریه‌ها در عصر فضای مجازی)*، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- مسعودنیا، حسین و نجفی، داوود. (۱۳۹۰). «عوامل موثر در تکوین و رشد بنیادگرایی در پاکستان»، *فصلنامه مطالعات شبه قاره*، دوره ۳، شماره ۸.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۹). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، چاپ پنجم، تهران: سمت.
- مقصودی، مجتبی و حیدری، شقایق. (۱۳۸۸). «دگرگونی مفهوم تروریسم؛ بررسی موردی تروریسم در هند»، *فصلنامه سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۵۹ و ۲۶۰.
- مویر، ریچارد. (۱۳۷۹). *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه درّه میر، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- نظیف‌کار، غزاله و نوروزی، حسین. (۱۳۸۳). *برآورد استراتژیک پاکستان (سرزمینی-سیاسی)*، جلد اول، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- هراتی، محمدجواد و معینی‌پور، مسعود. (۱۳۹۱). «سناریونویسی و آینده حیات سیاسی

انقلاب ایران»، فصلنامه سیاست، دوره چهل و دوم، شماره ۳.

### ب) انگلیسی

-Ahmad, Khushboo and Faisal, Muhammad. (2014). "Pakistan-Saudi Arabia Strategic Relations: An Assessment", *Quarterly News & Views*.

- Ahmad, Manzoor & et al. (2014). "Pakistan-Iran Relationship in the Context of Regional International Challenges (2001-2013)," *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, Vol. 4, No. 4.

-Alam, Shah. (2004). "Iran-Pakistan Relation: Political and Strategic Dimensions", *the Institute for Defence Studies and Analyses*, Vol. 28, No. 24.

-BP. (2015). "Statistical Review of World Energy," June 2015, Available from: [www.bp.com/en/.../energy.../statistical-review-of-world-energy.html](http://www.bp.com/en/.../energy.../statistical-review-of-world-energy.html) (pdf).

———. (2014). "Statistical Review of World Energy", June 2014, Available from: [www.bp.com/en/.../energy.../statistical-review-of-world-energy.html](http://www.bp.com/en/.../energy.../statistical-review-of-world-energy.html) (pdf).

- Barezgar, *Kayhan*. (2013). "Iran-Saudi Relations under Rouhani," at: <http://www.al-monitor.com/pulse/fa/contents/articles/originals/2013/07/iran-saudi-relations-under-rouhani.html##ixzz3VgGrwtEd>.

-Dawn News. (2015). "Threat to S Arabia will Evoke Strong Reaction from Pakistan: Nawaz", (observed: 28/12/2015) at: [www.dawn.com/news/1172016](http://www.dawn.com/news/1172016).

-Fair, Christine. (2011). "The Militant Challenge in Pakistan", *Asia Policy*, January, No. 11.

-Haas, Ernest. (1958). *the Uniting of Europe*, Stanford.

- Khanyari, Ayesha. (2014). "Iran-Pakistan: New Leaders, Old Issues", Published in: [www.ipcs.org/.../pakistan/iran-pakistan-new-leaders-old-issues-4479.htm](http://www.ipcs.org/.../pakistan/iran-pakistan-new-leaders-old-issues-4479.htm) 30 May.

-Kouzehgar Kaleji, Vali. (2012). "Ups and Downs in Iran-Pakistan Ties", *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. 2, No. 4.

-Kepel, Gilles. (2008). "The Brotherhood in the Salafist Universe", (Current Trends in Islamism Ideology", Washington: Hudson Institute, Vol. 6.

- Pant, Harsh V. (2009). "Pakistan and Iran's Dysfunctional Relationship," *Middle East Quarterly*, Spring.

- Porter, Michael. (1985). *Competitive Advantage*, New York, The Free Press, Published by: Academy of Management.

-Salman Khan, Muhammad. (2014). “The Saudi Factor in Pakistan-Iran Relations, *Iranian Review of Foreign Affairs*, winter”, Vol. 4, No. 4.

- Siddiq, Ayesha. (2014). “Pakistan-Iran Relations”, by: Published in The Express Tribune,” (observed: 26/8/2014), Read more: [tribune.com.pk/story/797565/Pakistan-Iran-Relations](http://tribune.com.pk/story/797565/Pakistan-Iran-Relations).